

مهاجرت علمای لبنان و تأثیر آن بر فرهنگ تشیع در ایران

تعاملات دیرینه شیعیان ایران و لبنان

سید مرتضی مفیدنژاد

وقتی که تعریف واژه جبل عامل را در ویکی پدیا — دانشنامه آزاد — جستجو می کنیم، در بخشی از توضیح آن آمده است: «بسیاری از روحانیون و اهالی این منطقه، به دلیل آزارهای حکومت عثمانی از آنجا به ایران و عراق آمده اند (مانند محقق کرکی و شیخ بهایی)».

این مسئله که یکی از رویدادهای مهم تاریخ اهالی جبل عامل تلقی می شود، از بستر و عواملی برخوردار بوده است که توجه به آن اهمیت دارد. حال پرسش این است که چه عواملی سبب مهاجرت گروه بزرگ و شاخصی از علمای شیعه منطقه جبل عامل به ایران شد و تأثیرات فرهنگی آنها بر فرهنگ تشیع، به ویژه در جامعه صفوی، تا چه حد بود؟ نوشتار حاضر در پی آن است تا به اختصار پاسخ این پرسش ها را از نظر بگذراند.

مهاجرت علما به ایران؛ چرایی و چگونگی

دوران صفویه و سال های آغازین حکومت شاه اسماعیل صفوی دوره ای از تاریخ است که در آن علمای جبل عامل به ایران مهاجرت کردند. اما توجه به شرایطی که سبب این مهاجرت شد اهمیت دارد. حوزه علمیه جبل عامل، که در منطقه کوهستانی و شیعه نشین لبنان قرار گرفته بود، بعد از حوزه علمیه عراق، جایگاه و اهمیت ویژه ای در جهان تشیع داشت. تنها نگاهی گذرا به نام علمایی که در این مرکز علمی به رشد و بالندگی رسیدند همچون شهید اول و شهید ثانی، محقق کرکی، شیخ بهایی و ... نشان دهنده عمق و ارزش این نقطه پربرکت در تاریخ فقه و فرهنگ شیعه است. با همه این تفاسیر قرار گرفتن منطقه جبل عامل

در سیطره حکومت سنی مذهب اهل تسنن سبب شده بود برخلاف حوزه های علمیه ایران و عراق، که بیشتر شیعیان و ساختار سیاسی حاکم در این کشورها از آن حمایت مالی و سیاسی می کردند، این حوزه علمیه از حمایت مالی و سیاسی چندانی برخوردار نگردد و با فشارهای شدید حکومت عثمانی روزگار سختی را سپری کنند. شرایط زندگی دو فقیه شهید شیعه (شهید اول و شهید ثانی) و سرانجام شیوه شهادت آنها از شرایط حاکم بر آن زمان حکایت می کند. بهر حال حوزه علمیه جبل عامل حوزه های متکی به ایمان و اعتقادات اصیل شیعی، خودباوری و مجاهدت بود که در شرایط بسیار بد مالی و خفقان سیاسی دوران حکومت ترکان عثمانی توانست در حوزه منابع و تولیدات

فکری تشیع به رشد و بالندگی درخور توجه و ویژه ای دست یابد. همین وضعیت نامناسب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زمینه مهاجرت علمای این منطقه به ایران، عراق و حتی حجاز را فراهم کرد.

تعداد بسیاری از این علما جبل عامل را به قصد ایران ترک کردند. درباره برگزیده شدن ایران برای مقصد از سوی این علما باید به این موضوع اشاره کرد که با رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران عصر صفوی، جنب و جوشی در عرصه فرهنگ تشیع در داخل سرزمین ایران به وجود آمد که نگرش، ترجمه و تدریس منابع اصیل فکر شیعه را تقویت و تسریع بخشید و توجه علمای شیعه بسیاری از کشورهای مسلمان همسایه را به خود جلب

کرد. بر همین اساس علمای منطقه جبل عامل با مساعد دیدن شرایط و اوضاع در ایران، این سرزمین را برای مهاجرت و فعالیت خود مساعد و مناسب دیدند. پادشاهان صفوی نیز که به دنبال کسب مشروعیت و به دست آوردن سلطه و قدرت خود به وسیله علما بودند کوشیدند به این مهاجرت کمک کنند. البته این مسئله در دوره هر کدام از پادشاهان صفوی نیز شدت و ضعف داشت. با همه این احوال شیخ علی بن عبدالهادی، معروف به محقق کرکی یا محقق ثانی، نخستین فقیه عرب بود که در دوره صفویه به ایران وارد شد. شیخ زین الدین، دیگر فقیه شاخص عرب، نیز در زمان شاه اسماعیل اول به ایران آمد و بر منصب شیخ الاسلامی و قضاوت هرات نشست. پس از آن در دوران سلطنت شاه طهماسب صفوی این توجه به علمای جبل عامل دو چندان شد و بدین ترتیب سیر مهاجرت نیز فزونی یافت. «علاوه بر موارد مذکور، وجود یک شبکه خانوادگی مشخص و پیوندهای خویشاوندی آشکار میان عالمایی که در آغاز مشاغل مذهبی شان مایل به اقامت در محل های سکونت خویشاوندان در ایران بودند و همچنین در مرحله بعد پیوندهای زناشویی پدیدآمده میان شماری از این خانواده ها از جمله عوامل دیگری بودند که الگوهای مهاجرت را تحت تأثیر قرار می دادند؛ به عنوان نمونه خانواده عبدالعلی ها از روستای گُرک نه، خانواده عبدالصمد ها از (جُبا)، شهیدی ها (نوادگان محمد بن حسن بن شهید ثانی) از 'جُبا' و خانواده خَر از 'مُشقره'. مهاجرت این خانواده ها الگویی را نشان می دهد که در آن مهاجرت هسته خانواده، مهاجرت خویشاوندان پدری و مادری را تشویق کرده است». البته در کنار این مهاجرت از منطقه جبل عامل باید تصریح کنیم که منابع تاریخی معتبر از این مسئله حکایت می کنند که بی شک تعدادی از عالمان بر خوردار از دانش ورزیده در تعلیم اسلامی، در دوران مهاجرت عملی ها به ایران وجود داشتند، اما نمی توان آنها را در زمره فقیهان طراز اول شیعه اثنی عشری قرار داد. افزون بر اینکه گرایش فلسفی و عرفانی بسیاری از حکما و علمای

۱۳۷۰ - ۱۳۳۱

سید عباس موسوی



سید عباس موسوی از جمله شخصیت های مشهور و تأثیرگذار لبنان در دهه ۱۹۸۰م است. ایشان در سال ۱۳۳۱ در لبنان به دنیا آمد و هنوز پانزده سالش تمام نشده بود که راهی نجف اشرف شد تا در آنجا درس دین بیاموزد. پس از مدتی سید عباس تحت تأثیر برنامه های اصلاحی و ارشادی شهید صدر، مسئولیت تبلیغ و ارشاد در لبنان

را برعهده گرفت. موسوی مرکزی برای تعلیم علوم دینی به نام امام الممتظر (عج) تأسیس نمود. در بسیاری از فعالیت های فرهنگی او، همسر محترمش هم پا به پای ایشان حرکت می کرد. این شهید بزرگوار از مؤسسان حزب الله لبنان و نخستین دبیر کل آن بود. در آن دوره حزب الله در دو زمینه فعالیت می کرد: ۱. مبارزه با رژیم صهیونیستی؛ ۲.

فعالیت در عرصه سیاسی، اجتماعی لبنان. خودروی سید عباس موسوی در ۲۷ بهمن ۱۳۷۰، در حالی که او از مراسم بزرگداشت هشتمین سالگرد شهادت شیخ راغب حرب در جنوب لبنان بازمی گشت، هدف حمله موشکی چرخ بال های اسرائیلی قرار گرفت و همراه همسر و فرزند شش ساله اش به شهادت رسید.

ایرانی بر صبغة فقهی و اصولی آنها می چربید و اگر تفقهی هم انجام می شد، پراکنده و منفرد بود

تأثیر هجرت علما بر فرهنگ تشیع در ایران

تأثیر علمای جبل عامل در جامعه شیعی زمان صفوی از موضوعهای بحث برانگیز تاریخی است که بعضی با نگاه تند و تیز آن را به نقد کشیده اند و بعضی دیگر چنین حرکتی را استودماند. با همه این تفسیرها باید گفت که سهم بسزای علمای جبل عامل در قدرت سیاسی و فرهنگی عصر صفوی انکارناپذیر است. شهید مطهری در جلد دوم کتاب «آشنایی با علوم اسلامی» در این باره گفته است: «فقه های جبل عامل، نقش مهمی در ختمشای ایران صفویه داشته اند چنان که می دانیم، صفویه درویش بودند، راهی که ابتدا آنها براساس سنت خاص درویشی خود طی می کردند، اگر با روش فقهی عمیق فقه های جبل عامل تعدیل نمی شد و اگر به وسیله آن فقه حوزه فقهی عمیقی در ایران پایه گذاری نمی شد، به چیزی منتهی می شد نظیر آنچه در علوی های ترکیه و شام هست. این جهت تأثیر زیادی داشت در اینکه اولاً، روش عمومی دولت و ملت ایرانی از آن گونه انحرافات مصون بماند و ثانیاً عرفان و تصوف شیعی نیز راه معتدل تری طی کند. از این روی فقه های جبل عامل، از قبیل محقق کرکی و شیخ بهایی و دیگران، با تأسیس حوزه فقهی اصفهان، حق بزرگی به گردن مردم این مرز و بوم دارند».

اعلام مذهب امامیه اثنی عشری به منزله مذهب رسمی امپراتوری صفوی از سوی شاه اسماعیل مبنایی شد تا گسترش، آموزش و سازماندهی اصول و عقاید تشیع بیش از پیش مدنظر قرار گیرد. اما اگر قرار بود که تشیع مذهب رسمی این امپراتوری باشد، به ناگزیر باید معلم هایی برای ابلاغ و تبلیغ این مذهب و فقهایی برای تعیین و اجرای احکام آن وجود می داشتند و در آن ایام چنین معلم ها و فقهایی به قدرت در خود ایران یافت می شدند؛ یعنی تعدادشان کافی نبود. البته گروه های کوچک شیعی در خراسان، عراق و جاهای دیگر بودند،



در باره بر گزیده شدن ایران برای مقصد از سوی این علما باید به این موضوع اشاره کرد که با رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران عصر صفوی، جنب و جوشی در عرصه فرهنگ تشیع در داخل سرزمین ایران به وجود آمد که نگارش، ترجمه و تدریس منابع اصیل فکر شیعه را تقویت و تسریع بخشید و توجه علمای شیعه بسیاری از کشورهای مسلمان همسایه را به خود جلب کرد

ولی رجال شهرهای بزرگی که به خدمت صفویه درآمد بودند به رغم رواج گسترده در میانشان، عمدتاً شیعی مذهب نبودند. مهاجرت علمای جبل عامل نیز بر همین اساس بود و محقق کرکی، در جایگاه پیش قدم و یکی از چهره های شاخص این جریان، تأثیرات عمده و عمیقی از خود به جای گذاشت، به طوری که او را مروج شیعه و مجدد دین در قرن دهم خوانده و تحکیم اساس تشیع را در ایران آغاز صفوی از او دانسته اند، ضمن اینکه بزرگترین مقام کشور بعد از سلطان نیز به او رسید. پس از محقق کرکی بستگان، خویشاوندان و شاگردان او نیز، که در حکومت صفوی روی کار آمدند، همان مسیر فکری و عملی را دنبال کردند. البته باید به این نکته نیز توجه کرد که این مطالبه و خواستن به سوی تعالی و توجه هر چه بیشتر فرهنگ تشیع در جامعه ایران وجود داشت و همین مسئله تعامل و تأثیر پذیری علمای جبل

عامل و توده های مردمی جامعه را راحت تر کرد. «به هر حال با حضور علمای شیعه این منطقه، خصوصاً از سال های میانی دوره حکومت شاه تهماسب صفوی به بعد، حوزه علمیه کاشان توسعه و گسترش روز افزون پیدا کرد و اندک زمانی بعد حوزه علمیه اصفهان تأسیس شد و روز به روز بر فعالیت خود افزود؛ تا آنجا که بسیاری از مراکز و حوزه های علمیه شیعی را در خارج از ایران تحت الشعاع قرار داد و بر روند فعالیت های علمی در ایران تأثیر گذاشت».^۱ افزون بر همه این موارد، علمای شیعه با به دست گرفتن مناصب دولتی مهم، بسیاری از سیاست ها و عملکرد پادشاهان صفوی را تعدیل کردند و با نفوذ بر آنها از برخی فعالیت های غلطشان جلوگیری نمودند. از آن جمله می توان به تأثیر گذاری محقق کرکی بر بعضی از تصمیمات شاه تهماسب و همچنین شیخ بهایی بر شاه عباس صفوی اشاره کرد.

نفوذ و توسعه اندیشه ولایت فقیه را هم می توان از جمله دستاوردهای مهم علمای جبل عامل به شمار آورد، به گونه ای که پادشاه خود را نایب فقیه می دانست. «قش علمای جبل عامل در نهضت ترجمه میراث شیعی به زبان فارسی نیز از اثرات مهم این گروه بر فرهنگ شیعه در ایران است و از این زاویه، ایشان را در انتقال دستاوردهای فقهی و اعتقادی شیعه به زبان فارسی، سهم می دانند؛ به عنوان مثال علی بن حسین زواری، شاگرد برجسته محقق کرکی، هشت اثر اعتقادی شیعه را به فارسی ترجمه می کند، از جمله «کشف الغمه» را به ترجمه می سپارد و این در زمانی است که تمامی حرکت های فرهنگی در شهرهای ایران، با نظارت و اشراف عالم محقق کرکی، صورت می گرفت؛ یا شیخ بهایی (رساله امامیه) را که منسوب به امام رضاست، ترجمه می کند و یا به تألیف «جامع عباسی» به زبان فارسی مشغول می شود».^۲ «بنا بر آنچه که اشاره شد و شواهد موجود تاریخی می توان این گونه استنباط نمود که نقش علمای مهاجر جبل عامل در دوره صفویه و تأثیر آنان در نشر تشیع و علوم وابسته به آن را در ایران به هیچ وجه نمی توان نادیده گرفت. به عقیده مورخ معاصر و شیعه شناس لبنانی، سید حسن الامین، اگر علمای جبل عامل به داد پادشاهان صفویه نرسیده بودند، گرایش این سلسله به مسلک علی الهی و غلام شیعه حتمی بود و در آن صورت سرنوشت ایران امروز از لحاظ مذهبی جز این بود که هست».^۳ هر چند باید گفت که وجود مردم مسلمان و جویای حقیقت در ایران و علاقه بسیار آنها به علما این سیر را سرعت و شدت بخشید. **II**

پی نوشت ها

۱. عصمت رمضانی مشکاتی، «تأثیر مهاجرت علمای جبل عامل بر فرهنگ و اندیشه دینی ایرانیان»، نشریه پژوهشی، آموزشی و اطلاع رسانی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۱۶، ص ۱۹ (پاییز ۱۳۸۳ تا تابستان ۱۳۸۴).
۲. همان.
۳. سید عباس صالحی، «کندوکای در مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عصر صفوی»، نشریه پژوهشی، آموزشی اطلاع رسانی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۶۳ و ۶۴.
۴. عصمت رمضانی مشکاتی، همان.

۱۳۳۹ سید حسن نصرالله

از دیگر شخصیت های مشهور در لبنان سید حسن نصرالله، دبیر کل فعلی حزب الله، است. سید حسن نصرالله در سال ۱۳۳۹ ش، در روستای «البزوریه» در جنوب لبنان دیده به جهان گشود و از دوران نوجوانی به امام موسی صدر علاقه داشت، به گونه ای که در معارفه سبزی فروشی پدرش عکس امام موسی را نصب کرده بود. نصرالله علاقه بسیاری هم به علامه فضل الله داشت و سال های نوجوانی اش را در مسجد و پای منبر او



گذراند. او در شانزده سالگی برای تحصیل علوم دینی رهسپار نجف می شود و از ابتدا تحت تعلیم و تربیت شهید سید محمدباقر صدر قرار می گیرد. وی فعالیت انقلابی خود علیه اشغالگران را با حضور در تشکیلات مخفی حزب الله آغاز کرد و پله های ترقی در این حزب را به سرعت پشت سر گذاشت. سید حسن پس از شهادت دوست دوران تحصیلش در نجف، سید عباس موسوی، با اجماع شورای رهبری حزب الله به دبیر کلی این جنبش منصوب شد. از نکته های مهم در زندگی سید حسن نصرالله شهادت پسرش سید هادی نصرالله به دست سربازان رژیم صهیونیستی است؛ زیرا تا آن زمان در لبنان سابقه نداشت پسر یکی از شخصیت های سیاسی و مذهبی در مبارزه

شهید شود. در سال ۲۰۰۰ م حزب الله توانست با تدبیر او و تلاش رزمندگان گمنامش، دشمن صهیونیستی را از جنوب لبنان به عقب براند. در سال ۲۰۰۶ م هم سید حسن به کمک رزمندگان حزب الله در جنگ معروف به جنگ ۳۳ روزه اسرائیل را شکست داد. پیروزی های گوناگون حزب الله به رهبری سید حسن نصرالله در جنگ های اطلاعاتی و امنیتی با رژیم صهیونیستی باعث شد اسطوره شکست ناپذیری اسرائیل از بین برود و بدین ترتیب سید حسن بار دیگر به جهان عرب و به ویژه شیعیان لبنان عزت بخشید؛ به همین خاطر در بسیاری از نظرسنجی هایی که در کشورهای عربی انجام شده با عنوان محبوب ترین چهره، برگزیده شده است.